



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

خلیہ

حقیقی برکونہ تاریخ

پروفیسر محمد رفیق



پروفیسر محمد رفیق



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

غدیر حقیقتی بر گونه تاریخ

نویسنده:

رضا فرهادیان

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	غدیر حقیقتی بر گونه تاریخ
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه ناشر
۶	مقدمه مؤلف
۶	آخرین سفر
۷	ورود به خانه محبوب
۸	حرکت به سوی شناخت
۹	بازگشت
۱۰	در مسیر بازگشت
۱۰	مردم در انتظار پیام
۱۳	لحظه‌های فراموش نشدنی
۱۴	فضیلت‌های دیگر
۱۵	کمال دین و نعمت
۱۵	ثبت عینی واقعه
۱۶	بعد از واقعه
۱۷	روز عید غدیر خم
۱۷	فهرست منابع
۱۹	پی نوشت ها
۲۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

غدیر حقیقتی بر گونه تاریخ

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: غدیر حقیقتی بر گونه تاریخ / مؤلف رضا فرهادیان . مشخصات نشر: قم: مسجد مقدّس جمکران ، ۱۳۸۵ .
 مشخصات ظاهری: ۵۶ ص شابک: ۸ - ۰۴۴ - ۹۷۳ - ۹۶۴ - ۹۷۸ یادداشت: عنوان روی جلد: غدیر حقیقتی بر گونه تاریخ ویژه
 نوجوانان یادداشت: چاپ قبلی: ستاد بزرگداشت غدیر، ۱۳۸۰ عنوان روی جلد: علی بن ابیطالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از
 هجرت - ۴۰ ق. - - اثبات خلافت موضوع: غدیر خم موضوع: غدیر خم - - داستان شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم)، واحد
 پژوهش رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۵ ۷ ح ۴ ف /BP/۵/۲۲۳ رده‌بندی دیویی: ۴۵۲/۲۹۷ شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۴۱۹۳۸

مقدمه ناشر

در عصر کنونی که استقبال جهان اسلام و حتی ادیان دیگر نسبت به مباحث واقع‌گرایانه و مستند غدیر بیش از پیش شده است بر آن شدیم که کتابی ویژه جوانان و نوجوانان پیرامون غدیر آماده و چاپ گردد که این زحمت را برادر ارجمند حجت الاسلام والمسلمین فرهادیان متقبل و به زیور طبع آراسته گردید، که امید است مورد توجه حضرت صاحب الزمان علیه السلام قرار گیرد.
 مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدّس جمکران حسین احمدی

مقدمه مؤلف

تصویری از واقعه زنده و حقیقتی گویا بر گونه تاریخ، همانند رعد و برقی در زمان، آن چنان درخشیدن گرفت که در خاطره‌ها ماند و با وجود فراوانی روایان و ثبت حادثه، کسی را توان و یارای انکار آن نیست. برای هر انسان مسلمانی لازم به نظر می‌رسد که در عمر خویش، دست کم یک بار هم که شده با یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم هم سفر شود و این مسیر تاریخی را با پستی و بلندی‌هایش ببیناید و با اسرار نهفته در آن، از نزدیک آشنا شده و با پیروان واقعی آن حضرت هم گام، هم کلام و هم پیمان شود. در این جا سعی شده که سیر واقعه به ترتیب و مستند با زبانی ساده و گویا، ارائه شود تا هر مخاطب منصفی را به راحتی در فضای معنوی حادثه قرار دهد و از نزدیک بوی خوش حقیقت آن واقعه، که تا ابد، زمان را عطر آگین کرده است، استشمام کند. در فراهم آمدن این مجموعه، لازم است از برادر عزیزم جناب آقای حسین حسن‌زاده و واحد پژوهش ستاد بزرگداشت غدیر تشکر و قدردانی نمایم.

آخرین سفر

از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به مدینه ده سال می‌گذشت. (۱) در سحرگاه یکی از شب‌های ماه ذیقعد، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم پس از فراغت از نماز شب در صحن مسجد نشسته بود که ناگهان جبرئیل فرود آمد. (۲) پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خوشحال گردید. جبرئیل: ای محمد صلی الله علیه و آله وسلم! خدای عزوجل به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: من هیچ یک از رسولان خود را به سوی خویش فراخواندم مگر این که دین آنان را کامل کردم و حجتم را بر مردم آن دیار تمام کردم. اکنون از رسالت تو، تنها دو وظیفه بر عهده‌ات باقی مانده که باید آن را به امت خود ابلاغ کنی: یکی حج و دیگری وصایت! زیرا من هیچ گاه زمین را از حجت خالی نگذاشته و نخواهم گذاشت. ای محمد صلی الله علیه و آله وسلم! خداوند بزرگ به تو فرمان می‌دهد که

حج را به جا آور و مناسک آن را به مردم بیاموز، هم چنان که نماز و روزه را آموختی. اینک رهبر شصت و سه ساله امت اسلامی مأموریت پیدا می‌کند برای آخرین بار، به منظور برپا داشتن مراسم حج به سوی مکه رهسپار شود. صبح همان روز پیامبر دستور داد در شهر مدینه و سایر شهرها و در بین قبایل و عشایر اعلان کنند که: پیامبر امسال عازم خانه خدا است. جارچیان همه در مدینه و اطراف آن به راه افتادند و اعلام کردند که: ای مردم! بدانید که رسول خدا برای به جا آوردن فریضه حج عازم سفر مکه است. پس همگان با وی همراه شوید تا از فراگیری این فریضه مقدس الهی بی‌بهره نمانید. انتشار این خبر در فضای مدینه و سایر شهرها، غلغله‌ای به پا کرد و در دل گروه‌های زیادی از مردم شور و شوق فراوانی برانگیخت و به دنبال آن، هزاران نفر از محل‌های خود کوچ کردند و در اطراف مدینه خیمه‌ها برپا کردند و همگی در انتظار حرکت کاروان پیامبر لحظه شماری می‌کردند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از غسل و نظافت کردن، جامه سفید بلندی به تن پوشید و با پای پیاده در حالی که تمام اعضای خانواده خود را در درون هودجی بر روی شتران جای داده بود، پیشاپیش مردم به سوی مکه به راه افتاد. (۳) در این سفر گروه‌های مهاجر و انصار و جمعیت انبوهی از مردم مدینه و قبایل اطراف آن، حضرتش را همراهی می‌کردند. در بین راه در مناطق مختلف، کاروان‌ها و گروه‌های کوچک و بزرگ، منزل به منزل به تدریج به کاروان پیامبر ملحق می‌شدند. هرچه به مکه نزدیک‌تر می‌شدند، جمعیت زائران خانه خدا افزایش می‌یافت. منظره باشکوهی به وجود آمده بود. همه از این که این توفیق نصیبشان شده بود تا در رکاب رسول خدا و همراه با ایشان عازم سفر حج بشوند، خوشحال و شادمان بودند. هرچه زمان می‌گذشت، جمعیت بیشتر می‌شد و شور و نشاط مردم فزونی می‌یافت. حضرت علی علیه السلام که از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای تبلیغ اسلام به یمن رفته بود، پس از این که از حرکت به قصد حج و زیارت خانه خدا باخبر شد، با دوازده هزار نفر عازم مکه شد. (۴) امسال بیابان حجاز جمعیت فراوان و باشکوهی را در خود می‌بیند که همه با اشتیاق تمام به سوی مکه در حرکت‌اند. وقتی کاروان به «ذی الحلیفه» منطقه‌ای که مسجد شجره هم در آنجا قرار داد، رسیدند، پیامبر شب را در آنجا اقامت گزید و صبح خیلی زود به طرف مسجد شجره حرکت کردند و در آنجا به همه دستور داد با دو قطعه پارچه سفیدی که از قبل همراه داشتند احرام ببندند. هنگام بستن احرام، طنین پر شور «لیک... اللهم لیک» از بیابان‌های مکه به گوش می‌رسید. اینک زائران خانه خدا، همه با لباس‌های سفید و یک شکل و یک نواخت نیت حج نمودند و به سوی مکه حرکت کردند در صحرای حجاز منظره شگفت‌آوری به وجود آورده بودند. خیل جمعیت سفیدپوش مردم برای یک لحظه، صحنه رستاخیز و صحرای محشر را در ذهن‌ها مجسم می‌کرد.

ورود به خانه محبوب

انبوه مردم در قالب کاروان همچنان در حال حرکت بودند و هرگاه به روستا یا جمعیتی می‌رسیدند و یا از نقطه بلند و یا دره‌ای عبور می‌کردند، فریاد: «لیک اللهم لیک» آنان بلند می‌شد و شور و هیجانی در دل‌ها ایجاد می‌کرد؛ به طوری که این وحدت و همدلی و احساس روح جمعی و یاد خدا سبب گردید تا جمعیت، همین که به نزدیک مکه رسیدند فریاد لیک آنان فضای شهر مکه را تحت تأثیر ورود خودشان قرار دهد. وقتی که دیوارهای مسجدالحرام را از دور مشاهده کردند ناخودآگاه قطرات اشک در چشمانشان حلقه زد و همگی صدای تکبیر خودشان را بلند و بلندتر کردند. روز چهارم ذی حجه بود که وارد مکه شدند. پیامبر از همان جا بی‌درنگ به قصد زیارت خانه خدا از در «بنی شیبه» وارد مسجدالحرام گردید؛ در حالی که جمعیت او را همراهی می‌کرد، خدا را حمد و ثنا می‌گفت و بر ابراهیم خلیل درود می‌فرستاد. کاروان‌ها به تدریج به دنبال حضرت وارد مسجدالحرام شدند. در حالی که همه احرام سفید به تن داشتند یک دل و یک صدا همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم الله اکبر گفتند و هم زمان هفت بار به طواف خانه کعبه مشغول شدند و دور خانه خدا چرخیده و این عمل را همانند رسول بزرگوار اسلام انجام دادند. صحنه باشکوه و فراموش‌نشدنی بود. جمعیت، پیامبر را همچون نگین انگشتی در میان گرفته بودند. پیامبر در حال تکبیر

گفتن، قطرات اشک از چشمانش همانند مرواریدی شفاف روی گونه مبارکش می‌غلطید. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم پس از طواف، برای ادای نماز طواف پشت مقام ابراهیم قرار گرفت و دو رکعت نماز خواند. وقتی از نماز فارغ گردید، شروع نمود به سعی میان صفا و مروه. آن گاه رو به جمعیت کرد و فرمود: کسانی که همراه خود قربانی نیاورده‌اند باید از احرام خارج شوند و با انجام «تقصیر» (۵) دیگر تمام محرمات احرام برای آنان حلال باقی بمانند تا زمانی که به منا رسیدند، قربانی خود را سر ببرند. (۶) در فاصله بین انجام مراسم عمره و حج، پیامبر راضی نبود که در خانه کسی بماند؛ از این رو، دستور داد تا خیمه‌ای در بیرون از مکه برپا کردند و در آنجا رحل اقامت گزید. (۷)

حرکت به سوی شناخت

روز هشتم ذی حجه فرار رسید، زائران خانه خدا همان روز از مکه به سوی عرفات حرکت کردند و پیامبر نیز بر شتر خود سوار شد و راه عرفات را در پیش گرفتند و در نقطه‌ای به نام «نمره» که خیمه‌ای برای حضرت زده بودند، فرود آمدند. در آنجا اجتماع باشکوهی از جمعیت مسلمانان گرد آمده بود. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نماز ظهر و عصر را در سرزمین عرفات همراه با ده‌ها هزار نفر از جمعیت زائران به جا آوردند. پس از اتمام فریضه نماز برای نمازگزاران خطبه‌ای ایراد کردند که در آن، مردم را موعظه نمودند. آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با گفتن سه تکبیر به سخنان خود پایان دادند. (۸) پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم تا غروب روز نهم در عرفه توقف نمودند. هنگامی که خورشید کاملاً در افق پنهان گشت و هوا کمی تاریک شد بر شتر خود سوار شدند و پیشاپیش جمعیت به طرف مشعر حرکت کردند. بخشی از شب را در «مزدلفه» گذراندند و به محض طلوع فجر صادق؛ یعنی در روز دهم، رهسپار «منا» شدند. سپس «رمی جمره» و ذبح قربانی و «تقصیر» را انجام داده و برای به جا آوردن بقیه مراسم حج عازم مکه گردیدند و به این ترتیب مناسک حج تمتع را به مردم آموزش دادند. مراسم حج به پایان رسید و مسلمانان برای اولین بار اعمال و مناسک حج را از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم آموختند. پس از انجام مراسم، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم پیاده همراه جمعیت به طرف «مسجد خیف» حرکت کرد. (۹) رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم از این که توانسته بود فریضه حج را انجام دهد و مسلمانان را با آن آشنا سازد و به فرمان خدا جامه عمل ببوشاند خوشحال بود. انبوه جمعیت همچنان در حرکت بود. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شادمان بود و احساس آرامش می‌کرد و گاه و بی‌گاه چهره پر فروغ رهبر مسلمانان را هاله‌ای از غم فرا می‌گرفت و به فکر فرو می‌رفت و شادی را در کامش ناگوار می‌ساخت. چرا که او به فکر عهد و وظیفه دیگری بود که؛ در بدو حرکتش به سوی مکه، جبرئیل یادآور شده بود و آن؛ جانشینی بعد از خودش بود. به آن فکر می‌کرد و همراه جمعیت، باشکوه و وقار تمام، پیاده راه خود را به طرف «مسجد خیف» ادامه می‌داد. پیامبر همواره می‌اندیشید و بیمناک بود که مبادا پس از رحلتش در بین جامعه اسلامی تفرقه ایجاد شود و وحدت امت اسلامی از هم بگسلد و متفرق شوند و روح برادری و اخوت از میانشان رخت بریندد و دوباره تعصبات قبیله‌ای و جاهلیت گریبان گیر مردم شود. پیامبر خوب می‌دانست که امت اسلامی به رهبر و امامی عادل و عالم نیاز دارد که اگر بعد از او زمام امور جامعه، ولایت امت را به دست نگیرد، تمام زحمت گرانبهای چندین ساله‌اش به هدر خواهد رفت. چرا که منافقان داخلی و دشمنان خارجی همواره درصدد بودند تا مردم را به مسیر باطل و جاهلیت گذشته بکشانند. منافع زورگویان و اشراف را که در سایه شرک و جهل و بت پرستی مردم تأمین می‌شد، دوباره زنده کند. از طرفی چگونه می‌توان تصور کرد که چنین رهبر دلسوز و آگاه و مهربانی نگران آینده جامعه اسلامی نباشد و این که زمام امور خلافت و رهبری جهان بزرگ اسلام که نوبنیاد است و به صورت نهالی نو رسته و تازه شکوفه کرده است به دست حوادث بسپارد؟ آیا می‌توان باور کرد که چنین رهبر دلسوزی به این مسئله نیندیشد و درباره آن دوراندیشی نکرده باشد؟ آیا عقل چنین حکم می‌کند؟ آیا شرع چنین اقتضایی دارد؟ آیا ممکن است خداوند رسالت رسول خدا را ناتمام بگذارد و پس از آن جامعه و امت

اسلامی را به حال خود رها کند؟ و برای هدایت و رهبری امت بعد از پیامبر سکوت کند؟ پیامبر همواره با خود می‌اندیشید و موانعی را در کار می‌دید. او می‌دانست که رهبری امت بعد از خودش شایسته کیست و لباس خلافت به قامت رسای چه کسی براننده است؟ او خوب می‌دانست که باید کسی عهده‌دار این مسؤولیت بزرگ شود که از آغاز زندگی لحظه‌ای عقاید و افکارش به شرک و ظلم آلوده نشده باشد. او باید کسی باشد که در دامن وحی پرورده شده و در ایمان آوردن به اسلام، گوی سبقت را از همه ربوده باشد. برای پیشبرد دین و جهاد و در راه خدا، پیش قدم بوده و در نبردها سربازی شجاع و فداکار، که از علم و دانش و تقوا سرآمد مهاجر و انصار باشد و در قضاوت، شخصی بی‌نظیر. در نبردها هرگز از دشمن نهراسد و در جهاد اکبر، نفس خود را مهار کند و هوا و هوس وی را فریب ندهد. پیامبر در این فکر بود و همراه جمعیت همچنان آرام و با وقار حرکت می‌کرد. هنوز چند قدمی باقی مانده بود تا به «مسجد خیف» برسند که ناگهان فرود جبرئیل را احساس کرد. پیامبر از مردم فاصله گرفت. جبرئیل به سخن آمد، پیامبر خوشحال شد. جبرئیل: ای محمد خداوند تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید: ای رسول من، هنگام رحلت تو فرا رسیده است و کسی را از این کوچ گزیری نیست. پس به عهده‌های خود وفا کن و وصایا و سفارش‌های خود را با امت، در میان بگذار آنچه از میراث انبیاء نزد تو هست؛ از علوم، نشانه‌ها، سلاح و ... همه را به وصی و جانشین بعد از خود تسلیم کن که او حجت من و ولی من پس از تو خواهد بود، مردم را از این امر آگاه کن و عهد و میثاق مردم را با او محکم گردان و برای او از مردم بیعت بگیر ... (۱۰) پیامبر در حالی که با دقت به سخنان جبرئیل گوش می‌کرد رو به او نمود و فرمود: جبرئیل! من از منافقین هراس دارم، نه برای خودم که برای مردم و آینده آنان... می‌ترسم که پس از من امت دچار تفرقه شوند و از دین خدا خارج شوند و به دوران شرک و جاهلیت برگردند. من کینه این گروه به ظاهر مسلمان را نسبت به او می‌شناسم و شدت دشمنی‌شان را نسبت به او احساس می‌کنم. مگر این که پروردگار او را از شر و دسیسه دشمن محفوظ بدارد. پیامبر ادامه داد: ای جبرئیل از خدا بخواه که این مصونیت را عنایت کند. پیامبر سخنش تمام می‌شود و به طرف جمعیت می‌رود، اصحاب به او نزدیک می‌شوند، احساس می‌کنند قطرات عرق روی گونه مبارکش نشسته است. برای او آب می‌آوردند او کمی می‌نوشد و سپس وضو می‌گیرد. انبوه جمعیت به همراه پیامبر وارد مسجد خیف می‌شوند و نماز می‌گذارند.

بازگشت

پیامبر بر می‌خیزند و آماده حرکت می‌شوند و تصمیم می‌گیرند تا مکه را به قصد مدینه ترک نمایند. فرمان حرکت صادر می‌شود. کاروان‌ها آماده حرکت می‌شوند. پیامبر هنوز به مرکب خویش سوار نشده است که بار دیگر پیک وحی، سر می‌رسد. پیامبر لحظه‌ای بر سکوی مسجد می‌نشیند. مردم متوجه نشستن حضرت می‌شوند. اصحاب نیز از مرکب‌های خود پیاده می‌شوند؛ ولی به پیامبر نزدیک نمی‌شوند. جبرئیل می‌خواهد چیزی بگوید: پیامبر خودش را آماده شنیدن وحی می‌کند، جبرئیل صدا می‌زند: ای محمد! پروردگارت به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: پیام مرا به مردم ابلاغ می‌کنم و به آنان بگو که او پس از تو ولی و امام این امت است. بگو که: هر کس ولایت او را به رسمیت بشناسد، مؤمن است و کسی که ولایت او را انکار کند، کافر است. ای محمد به مردم بگو که اطاعت از او اطاعت از تو و اطاعت از خدا است و سرپیچی از فرمان او نافرمانی خدا. بگو که مؤمنان به او بهشتی‌اند و کافران به او دوزخی. (۱۱) برای چند لحظه جبرئیل ساکت شد. پیامبر پرسید: ای جبرئیل! بگو بینم: آیا خداوند عزیز درباره درخواست من از برخورد با دشمنان و منافقان، پیامی نفرستاد؟ جبرئیل: نه بردارم! هنوز خداوند متعال در این باره پیامی نداده است. (۱۲) پیامبر از جا بر می‌خیزد. اصحاب به طرف او می‌شتابند. پیامبر فرمود: بروید! همه باید حرکت کنیم. سوار شتر خود می‌شود و به قصد مدینه حرکت می‌کند. جمعیت هم به دنبال پیامبر حرکت می‌کنند. پیامبر به لحاظ همگامی با کاروان خانواده‌اش، آهسته‌تر از دیگران گام برمی‌دارد. انبوه مردم، پیامبر را حلقه‌وار همراهی می‌کنند. کاروان به سیر خودش به طرف مدینه ادامه

می‌دهد تا این که به سرزمین «رابغ» رسیدند. این محل تا «جحفه» سه «میل» فاصله دارد. کاروان از این محل گذشتند و و به منزل دیگر به منزل دیگری به نام «کراع غمیم» رسیدند. نزدیک ظهر بود و هوا گرم و سوزان. در حوالی «کراع غمیم» نقطه‌ای وجود دارد به نام «غدیرخم» کاروان می‌رفت تا به این محل نزدیک شد. پیامبر ایستاد. مردم نمی‌دانستند چرا پیامبر توقف کرده است. او در حالی که سوار شتر بود جبرئیل بر وی فرود آمد. حضرت نگران بود، این بار پیامبر آغاز به سخن کرد! فرمود: آمدی برادرم! جبرئیل، می‌ترسم که این قوم مرا تکذیب کنند و سخنانم را درباره امامت او نپذیرند!

در مسیر بازگشت

پیامبر همچنان حرکت می‌کند اما احساس می‌کند که جبرئیل او را همراهی می‌کند. کاروان می‌رود تا به سرزمین «غدیرخم» می‌رسد. این جا محل تقاطع مسیرها و راه عبور کاروان‌ها و نقطه جدا شدن مردم مصر و عراق و مدینه و نجد از یکدیگر است. این محل به خاطر وجود آب و چند درخت کهن سال، محل استراحت کاروانیان بود. پیامبر همراه جمعیت به نزدیک برکه «غدیرخم» می‌رسند. این بار جبرئیل به سخن درمی‌آید و خطاب به پیامبر: ای محمد! خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: ای رسول! آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده به مردم ابلاغ کن که اگر چنین نکنی، رسالت خود را به انجام نرسانیدی، و بدان که خداوند تو را از شرّ مردم حفظ خواهد نمود. (۱۳) پیامبر می‌ایستد و با خوشحالی از شتر پیاده می‌شود و در ته دل خدا را سپاس می‌گوید و از این که خواسته او را اجابت کرده است شکرگزاری می‌کند. او احساس می‌کند اکنون، زمان ابلاغ پیام فرا رسیده و باید آن را علنی کند. پیامبر فوراً دستور می‌دهد که کاروان‌ها توقف کنند و پیک‌هایی را به پیش و پس می‌فرستد تا عده‌ای را که جلو رفته‌اند بازگرداند و گروهی که هنوز نیامده‌اند، از راه برسند. گروه‌های قبایل یکی پس از دیگری از دو سوی منطقه به کاروان پیامبر ملحق می‌شوند. نزدیک ظهر است آفتاب داغ نیمروز هیجدهم ماه ذیحجه بر پهنه غدیر همچنان می‌تابد و یکصد بیست هزار نفر از مردم در آنجا جمع می‌شوند در این هوای گرم و سوزان مردم نمی‌دانستند چرا و برای چه یک باره دستور توقف داده شده است. چه موضوع مهمی پیش آمده که در این بیابان و زیر آفتاب داغ همه باید جمع شوند، آیا پیک وحی خبر ناگهانی آورده است؟ مردم در این افکار غوطه‌ور بودند که ناگهان صدای فریاد مؤذن آنان را به خود می‌آورد؛ صلاة جامعه، صلاة جامعه...!

مردم در انتظار پیام

از شدت گرما، مردم بخشی از ردای خود را بر سر و قسمتی دیگر را در زیر پا افکنده بودند. سلمان، ابوذر، مقداد و عمار برای پیامبر با استفاده از درخت، سایبانی به وسیله چادر برپا کردند. (۱۴) مردم برای نماز جماعت ظهر آماده می‌شوند. طنین بانگ الله اکبر، مردم را به نماز فرا می‌خواند پیامبر نماز ظهر را با جماعت به جا می‌آورد. سپس در حالی که انبوه جمعیت پیرامون او حلقه زده بودند به سوی نقطه بلندی که قبلاً از قطعه‌های سنگ و جهاز شتر برپا شده بود می‌رود تا از آنجا به همه جمعیت مسلط باشد. مهمه از جمعیت بلند می‌شود؛ همه منتظرند ببینند پیامبر از پیک وحی، چه پیامی برای آنان دارد. چشم‌ها به او دوخته شده و نفس‌ها در سینه حبس گردیده، همه بی‌صبرانه مشتاقند تا سخنان پیامبر را بشنوند. پیامبر بر فراز منبر قرار می‌گیرند. با چهره‌ای گشاده و سیمایی بشاش نگاهی به جمعیت می‌کنند. از چشمانش رحمت و محبت و عطوفت می‌بارد. چهره پرفروغش را با تمام رخ به تمام جمعیت می‌گرداند. چشم‌ها می‌جوشد، دل‌ها می‌خروشد. سکوت عمیقی بر صحرای غدیر حکم فرما شده است. رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم سخن آغاز می‌کند: (۱۵) بسم الله الرحمن الرحيم حمد و سپاس خدایی را که در یگانگی برتر؛ در عین بی‌همتایی نزدیک؛ در قدرت و اقتدار شکوهمند و در ارکان نظام عالم بسی بزرگ است. علمش بر همه چیز احاطه دارد، در حالی که در جایگاه خویش است و مخلوقات همگی مقهور قدرت اویند. بزرگی که پیوسته بوده و ستوده‌ای که همیشه خواهد بود، پدید

آورنده آسمان‌های برافراشته و فرمانروای مطلق زمین و آسمان‌ها است. هر دیده‌ای را می‌بیند و هیچ دیده‌ای را توان دیدار او نیست. بزرگوار و بردبار و بخشنده‌ای که رحمتش همه چیز و همه جا را فرا گرفته. منعمی است که بر همه مخلوقات منت دارد. در اجرای کیفر مجرمان شتاب نمی‌کند و به عذابی که مستحق کنند، تعجیل روا نمی‌دارد. به اسرار دل‌ها آگاه است و هیچ رازی از او پوشیده نیست و هیچ امر پنهانی او را به اشتباه نمی‌اندازد. بر همه چیزها محیط و بر همه موجودات غالب و بر هر نیرویی چیره و بر هر کاری تواناست. همانندی برایش نیست و حال این که او پدید آورنده همه موجودات از نیستی است. پروردگاری که جز او نیست، سرافرازی که برتر از آن است تا به دیده‌ها درآید، لیک هر دیده‌ای را در می‌یابد و بر هر چیزی دقیق و آگاه است. به دیده هیچ بیننده‌ای درنیامده تا وصفش کند و احدی را از چگونگی آشکار و نهانش آگاهی نیست مگر به همان مقدار که خود از خویشتن خیر داده است. گواهی می‌دهم که هستی در برابر قدرتش فروتن و در مقابل هیبتش سرافکنده و تسلیم است. او شکننده ستم کاران و زورگویان و نابود کننده هر شیطان پلیدی است. نه او را ضدی است و نه شریکی؛ یکتای بی‌نیاز. او به هر چیزی دانا و به شماره هر چیزی آگاه است. مرگ و زندگی، نیازمندی و بی‌نیازی، خنده و گریه، منع و عطا به خواست و اراده او است. به خواهش بندگان پاسخ می‌دهد و صاحب بخشش و عطای بزرگ است. به شماره نفسِ جانداران آگاه است. کاری بر او دشوار نیست. ناله فریاد خواهان او را به کاری وادار و ناگزیر نمی‌کند و اصرارِ اصرارکنندگان او را به ستوه نمی‌آورد. نگهدار نیکان و توفیق‌بخش رستگاران و سرور کائنات است. آفریدگان را شایسته است که او را حمد و سپاس گویند. من در دشواری و سختی، در آرامش و راحتی ستایشگر اویم و به او و فرشتگان و کتاب و فرستادگانش ایمان دارم. فرمانش را به جان می‌شنوم و فرمانبردارم. در هر کاری که او را خشنود سازد شتابنده‌ام. به قضا و حکمش سر تسلیم دارم و به اطاعت از فرمان‌هایش مشتاق و از عقوبت و مجازاتش سخت در هراسم. خداوندی که از آزمایشش گریز نیست و بر بندگان ستم نمی‌کند. اعتراف می‌کنم که بنده اویم و گواهی می‌دهم که او پرورنده من است. آنچه را که به من وحی فرموده، به مردم ابلاغ کن. مبادا که در انجام امر او مسامحه کنم که عذاب حق بر من فرود آید، عذابی که هیچ کس قدرت و توان دفعش را ندارد و چه بزرگ است آزمایش او. آن‌گاه پیامبر این چنین ادامه داد: هان ای مردم! نزدیک است که من دعوت حق را لیک گویم و از میان شما بروم. آگاه باشید که امر مهمی پیش آمده است و من می‌خواهم شما را از آن مطلع سازم. در این حالت غلغله‌ای در جمعیت می‌افتد و کمی بعد یک‌باره ساکت می‌شوند، سپس پیامبر ادامه می‌دهند: پیک وحی تا به حال چندین بار پیش من آمده و از طرف پروردگار پیامی آورده است که باید آن را به شما ابلاغ کنم. البته من از جبرئیل خواستم که از خداوند متعال بخواهد که مرا از تبلیغ این مأموریت معاف دارد؛ زیرا می‌دانستم که در میان مردم، پرهیزگاران اندک و منافقان بسیاراند، مفسده‌جویان پرفریب و حيله‌گران مسخره کننده‌اند، که خداوند در کتاب خود به وصف آنان پرداخته و می‌فرماید: «به زبان‌های خود چیزی را می‌گویند که در قلب آنان وجود ندارد و گمان می‌کنند که این امر کوچکی است؛ در حالی که در پیشگاه خدا بسیار بزرگ است.» (۱۶) هم اکنون من می‌توانم یک یک اینان را به نام و نشان، معرفی کنم؛ لیکن به خدا سوگند که من درباره این افراد بزرگوارانه رفتار کرده و می‌کنم و رسوایشان نمی‌کنم. ولی این‌ها، خدای را از من راضی نمی‌سازد؛ مگر آن که وظیفه خود را در مورد مأموریتی که به عهده دارم انجام دهم. خداوند متعال به من وحی فرمود که؛ پیامبر آیه قرآن را تلاوت می‌کنند: ای رسول، آنچه را که از جانب پروردگارت بر تو نازل شده به مردم ابلاغ کن، اگر چنین نکنی، رسالت خود را به انجام نرسانده‌ای، البته خداوند تو را از شر مردم مصون می‌دارد. (۱۷) پیامبر در ادامه می‌فرماید: ای مردم! آن که را من می‌خواهم به شما معرفی کنم مرا بیش از هر کس دیگری در دین یاری کرده و از همه بر من سزاوارتر است. از تمام مردم به من نزدیک‌تر و از همه کس نزد من محبوب‌تر و گرمی‌تر است. خداوند متعال و من از او راضی و خشنودیم. ای مردم! جز شقی و نگون بخت، کسی به او کینه نمی‌ورزد و جز پارسای پرهیزگار، مهر او را در دل نمی‌گیرد و جز اهل ایمان و مخلصان بی‌ریا به او ایمان نخواهد آورد. ای مردم! بدانید او همان کسی است که به حلم و بردباری وصف شده و فضایل و امتیازات و قدر منزلتش در

قرآن آمده است. ای مردم! هرکس از او پیروی کند و از او فرمان برد به رستگاری بزرگی دست یافته است. ای مردم! بدانید او وصی و جانشین من و امام پس از من است؛ کسی است که موقعیتش نسبت به من همانند جایگاه هارون نسبت به موسی است، با این تفاوت که پس از من پیامبری نیست. او ولیّ شما است بعد از خدا و رسول او. خداوند درباره او این آیه را در قرآن فرو فرستاده که: «همانا ولیّ شما خدا است و پیامبر او و آن کسان از مؤمنان که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع به سائل انفاق می‌کنند» (۱۸) او است که نماز را اقامه کرد و در حال رکوع صدقه داد و در همه حال خرسندی خدا را می‌جوید. ای مردم! بدانید که خداوند او را صاحب اختیار شما قرار داده و او را پیشوا و امام واجب‌الاطاعه قرار داده است. فرمانش را بر همه مهاجران و انصار و بر هر مسلمانی فرض و واجب نموده است هرکس با او به مخالفت برخیزد ملعون است و هرکس که از او پیروی کند، مشمول عنایت و رحمت الهی قرار خواهد گرفت. ای مردم! همه حلال و حرامی را که خدا به من شناسانده است من نیز همه را به او آموخته‌ام، دانشی نیست که خداوند به من تعلیم کرده باشد و من در اختیار او نگذاشته باشم. ای مردم! مبدا که نسبت به او راه ضلالت و گمراهی پیشه گیرید و از او روی برتایید؛ مبدا که از ولایت و سرپرستی او و از اطاعت از فرمانش به تکبر سرباز زنید. او هادی حقّ و عامل به حقّ و نابود کننده باطل است و از ناپسندیده‌ها بازتان می‌دارد. ای مردم! اوست که در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای نمی‌ترسد. او نخستین کسی است که به خدا و پیامبرش ایمان آورد و جان خویش را فدای رسول خدا کرد و در آن هنگام که هیچ کس در کنار پیامبر باقی نمی‌ماند، از او حمایت می‌کرد و در آن روزگار که کسی را اندیشه عبادت و ایمان به خدا نبود، در کنار پیامبر، پروردگار را پرستش و عبادت می‌کرد. ای مردم! او را برتر و سزاوارتر از هر کس بدانید که خدایش او را از همه شایسته‌تر و برتر داشته. به ولایت او تمکین کنید که خدایش او را به پیشوایی بر شما منصوب کرده است. ای مردم! بدانید، خداوند توبه منکران ولایت او را هرگز نمی‌پذیرد و آنان را مشمول رحمت و مغفرت خویش، قرار نمی‌دهد. هرکس در سخنی از سخنان من شک نماید، در حقیقت به تمام سخنان من شک کرده است و چنین کسی مستحق بلا و مستوجب آتش است. ای مردم! آگاه باشید که این سخنان را، به یقین، جبرئیل از سوی حقّ تعالی به من خبر داده که: هرکس با او به دشمنی برخیزد و ولایت و محبت او را در دل نگیرد، لعنت و خشم مرا نسبت به خود، برانگیخته. پس شایسته است از مخالفت با او سخت برحذر باشید و مبدا پایتان بلغزد که خداوند به هرچه انجام می‌دهید آگاه است. به هوش باشید که «عنوان» امیرالمؤمنین بر کسی جز او روا نیست و پس از من، برای هیچ کس جز او جایز و حلال نیست. اوست که با دشمنان حقّ در پیکار و به بازدارندگی از معاصی سخت کوش و به اطاعت از خدا فرمانبردار است. اوست خلیفه و جانشین رسول خدا، پیشوا و هادی خلق. اوست که به امر خدا، قاتل «ناکثین» و قاسطین» و «مارقین» است. ای مردم! او یاور دین و حامی پیامبر خدا و پارسای پرهیزگار و طیب و طاهر و رهنما و ره یافته است. پیامبرتان بهترین پیامبر و وصی او، بهترین وصی و فرزندان او بهترین اوصیاند. ای مردم! شیطان به حسادت آدم را از بهشت بیرون کرد؛ پس مبدا شما نسبت به او حسد ورزید که اعمالتان سراسر باطل می‌شود و به لغزش و انحراف می‌افتید. ای مردم! نور حقّ در من سرشته شده و بعد از من در طینت او و سپس در نسل وی قرار داده شده تا آن زمان که نوبت به امامت مهدی قائم به حقّ و صاحب زمان برسد و اوست که سرانجام، حقّ خدا و حقوق ما را باز خواهد ستاند. خداوند عزّوجل ما را بر تمام خطاکاران و دشمنان، مخالفان و خائنان، معصیت کاران و ستمگران، حجتّ قرار داده است. ای مردم! بدانید که چیزی نمی‌گذرد و پس از من سردمدارانی سرکار می‌آیند که خلق را به آتش دوزخ فرا می‌خوانند؛ اما این گروه را در روز قیامت یار و مددکاری نخواهد بود. و خداوند و پیامبرش از این کسان متنفر و بیزارند. ای مردم! من این ولایت را به عنوان امامت و وارث تا روز قیامت در ذریه و نسل خود قرار دادم و با این کار وظیفه‌ای را که به آن مأمورم به انجام می‌رسانم تا بر هر حاضر و غایب و بر هر کسی که در این جمع بوده و یا در این اجتماع حضور نداشته باشد و حتی بر آنان که هنوز از مادر متولد نشده‌اند، حجتّ تمام باشد. ماجرای امروز را حاضران به غایبان گزارش دهند و پدران به فرزندان تا روز واپسین. گرچه مدّتی نخواهد گذشت که عده‌ای این امر را با ستم

غضب می کنند و از آن خود می سازند. خداوند غاصبان را لعنت کند و از رحمت خویش مهجورشان سازد. ای مردم! صراط مستقیم خداوند منم و شما به پیمودن آن مأمور شده‌اید و پس از من او سپس فرزندانم که از صلب اویند امامان و پیشوایان شمایند که خلق را به راه راست هدایت می کنند. آن گاه پیامبر سوره حمد را تلاوت می کند: بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين. الرحمن الرحيم. مالك يوم الدين. اياك نعبد و اياك نستعين. اهدنا الصراط المستقيم. صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم و لا الضالين. (۱۹) ای مردم! این سوره در شأن من و او و فرزندانش نازل شده و اختصاص به آنان دارد. اینان اولیای خدایند و نه بیمی در دل دارند و نه اندوهی آزارشان می دهد. بدانید اینان حزب خدایند که حزب خدا پیروز است. در برابر، دشمنان او گروهی ناسازگار نیرنگ‌باز و کینه‌ورزانی متجاوزاند که به منظور فریب و نیرنگ، سخنان بیهوده و آمیخته به رنگ و ریا با یکدیگر نجوا می کنند. ای مردم! آگاه باشید که دوستان او اهل بهشت‌اند که خداوند وصفشان را در قرآن این گونه فرموده: «ایشان در امن و سلامت بوده و بی حساب وارد بهشت می شوند». (۲۰) و در مورد دشمنان او فرموده: «آگاه باشید که دشمنان او کسانی هستند که به دوزخ در می افتند و غریو جهنم را که می خروشد و صدایی که از سوخت و سوز آنان بر می خیزد، می شنوند.» ای مردم! من منذر و ترساننده‌ام و او هادی و امید دهنده؛ ای مردم! من پیامبر و او وصی من است؛ حکم او جاری است؛ گفتار او جایز است؛ دستور او نافذ است؛ و هر که از فرمان او سرپیچد از رحمت خداوند به دور است؛ و کسی که از او پیروی کند مورد رحمت و عنایت خداوند قرار می گیرد. مؤمن کسی است که او را تصدیق کند و به ایمان بیاورد.

لحظه‌های فراموش نشدنی

مردم بی صدا و سر تا پا گوش‌اند. در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم علی علیه السلام را فرا می خواند تا بالای منبر بیاید و در سمت راست او بایستد. همه‌های در جمعیت افتاد، برخی او را به یکدیگر نشان می دادند. بعضی دیگر که دور بودند، منتظر بودند ببینند چه کسی بالای منبر می رود. آرامش به جمعیت بازگشت، بار دیگر سکوت حکم فرما شد. پیامبر نگاهی به جمعیت انداخت سپس ادامه داد: ای مردم! من به زودی از میان شما می روم. دوباره صدای همه و غلغله‌ای از جمعیت بلند می شود، صدای ناله و شیون و فریاد و گریه بیابان غدیر را به لرزه در آورده به طوری که دیگر صدای پیامبر شنیده نمی شود، ناگهان پیامبر با صدای بلند و رسا می فرماید: هان ای مردم! بدانید من مسؤولم و شما نیز مسؤولید. جمعیت ساکت می شوند. آن گاه ادامه می دهند: حال به من بگویند، که من در بین شما چگونه پیامبری بودم؟ همه یک صدا فریاد زدند: ما گواهی می دهیم که تو رسالت خود را به خوبی انجام دادی و از هیچ کوششی دریغ نمودی، خدا تو را پاداش نیک دهد. آن گاه پیامبر ادامه دادند: آیا شما گواهی نمی دهید که جز خدا، خدایی نیست و محمد صلی الله علیه و آله وسلم بنده و فرستاده اوست؟ بهشت و دوزخ و مرگ و حیات حق است و روز رستاخیز بدون شک فرا خواهد رسید و خداوند کسانی را که در خاک پنهان شده‌اند، زنده خواهد کرد؟ جمعیت مردم یک صدا فریاد بر آوردند: آری، گواهی می دهیم. پیامبر ادامه داد: ای مردم! بدانید من در میان شما دو چیز گرانبها به یادگار می گذارم، با آن چگونه رفتار خواهید کرد؟ یک نفر از داخل جمعیت با صدای بلند پرسید: یا رسول الله! مقصود از دو چیز گرانبها چیست؟ پیامبر پاسخ می دهند: یکی «ثقل اکبر» که کتاب خدا و از طرف او است و در دست شماست. به آن چنگ بزنید تا گمراه نشوید و دیگر «ثقل اصغر» که عترت و اهل بیت من‌اند. خدایم به من خبر داده که این دو یادگار من تا روز رستاخیز از هم جدا نمی شوند (۲۱) هان ای مردم! از کتاب خدا و عترت من پیشی نگیرید و یا از آن عقب نمانید و در عمل به هر دو کوتاهی نکنید که هلاک می شوید. پیامبر رو به جمعیت نیز ادامه دادند: ای مردم! به من بگویند که سزاوارترین مردم نسبت به خودشان کیست؟ (۲۲) همه مردم یک صدا فریاد بر آوردند: ای فرستاده خدا، خدا و پیامبرش بهتر می داند. آن گاه پیامبر دست حضرت علی علیه السلام را بالا برد تا جایی که سفیدی زیر بغل او بر همه نمایان شد و همه علی را در کنار پیامبر دیدند و او را خوب شناختند و دریافتند که

مقصود از این اجتماع مسئله خلافت علی علیه السلام است، دوباره سر و صدا بالا گرفت و جنب و جوشی در بین مردم برخاست همه از دور و نزدیک بلند می شدند تا علی علیه السلام را بهتر ببینند. همه او را به یکدیگر نشان می دادند، عده‌ای در عین این که به علی علیه السلام اشاره می کردند به هم دیگر می گفتند: به خدا سوگند که این همان فاتح خیبر است. گروه دیگر می گفتند: سوگند به خدا که این همان کسی است که از طرف پیامبر به مکه اعزام شد و تنها او بود که سوره برائت را مقابل مشرکان در خانه خدا قرائت کرد. عده‌ای دیگر نیز می گفتند: واللّه او همان است که در جنگ خندق قهرمان یکه تاز عرب «عمر بن عبدود» را به خاک سیاه نشاند. هرکسی برای اثبات فضایل و برتری‌های علی علیه السلام سخنی و خاطره‌ای را نقل می کرد. سلمان، ابوذر، عمار و مقداد در دل‌هایشان ابراز خوشحالی و شمع می کنند. اما هیجان‌های تلخ در پشت چهره‌های عبوس گروه منافقین نیز به چشم می خورد، کسانی که پیامبر آنها را بهتر از خودشان می شناسد. منافقان نیز نزدیک‌ترین کسانی بودند که در برابر پیامبر نشستند و در صفحه عقیده‌شان هیچ نقطه مشترکی با او نداشتند ... پیامبر با صدای بلند فرمود: ای مردم! آنچه که من از طرف خدا مأمورم، این است؛ به خدا سوگند غیر از این مرد که هم اکنون دست او را بالا- برده‌ام هرگز کسی نمی تواند دستورات قرآن را برای شما به روشنی تفسیر و بیان کند. اینک مردی را که بازوی او را گرفته‌ام به شما معرفی می کنم و اعلام می کنم؛ پیامبر بازوی علی را تا آنجا بالا برد که مردم همه او را دیدند؛ در این هنگام پاهای علی علیه السلام در مقابل زانوی پیامبر قرار گرفت. برکه غدیر یکپارچه در سکوت بود. در این هنگام رسول خدا با صدای رسا ادامه داد: ای مردم! هرکسی را، من مولا و سرپرست او هستم، علی هم مولا و رهبر اوست. (۲۳) رسول اکرم این جمله را در این حالت سه بار (۲۴) تکرار فرمودند و سپس ادامه دادند: پروردگارا! دوست بدار کسی را که علی را دوست دارد و دشمن بدار کسی را که علی را دشمن دارد. خدایا! یاری کن کسانی را که او را یاری می کنند و خوار گردان کسانی را که به او دشمنی می ورزند. پروردگارا! علی را محور حق قرار بده. (۲۵) سپس پیامبر افزود: حاضران به غایبان از این مجلس خبر دهند و دیگران را از این امر آگاه گردانند. ای مردم! فرمان ولایت بر این مردم از جانب خدا توسط جبرئیل به من ابلاغ گردیده بود و من هم این پیام را به شما رساندم. (۲۶) ای مردم! علی برادر و وصی من و مخزن علم و خلیفه و جانشین بعد از من بر این امت است. علی مفسر قرآن است. اوست که مردم را به حق دعوت می کند و به آنچه موجب خشنودی خداست عمل می کند. علی صاحب همه آن فضیلتی است که برای شما برشمردم. ای مردم! جبرئیل به من خبر داده است که خداوند فرمود هرکس با علی دشمنی کند و از ولایت او سرباز زند همواره مورد لعن و غضب من است. پس هرکس بنگرد که برای فردای خود چه پیش می فرستد! بترسید از این که با خدا مخالفت کنید و همان باعث شود قدم‌های استوار مردم بلغزد. به یقین خداوند به آنچه که می کنید آگاه است. ای مردم! خداوند شما را به حال خود رها نخواهد کرد تا آن که پاک از ناپاک ممتاز شود و خدا شما را به اسرار غیب آگاهی نداده است.

فضیلت‌های دیگر

ای مردم! علی همان کسی است که خدا در کتاب خود از او به عنوان «جنب الله» یاد کرده و از زبان دوزخیان می گوید: وا اسفا! بر من که نسبت به «جنب الله» تقصیر و کوتاهی روا داشتم. (۲۷) ای مردم! سوره «هل أتى» (۲۸) درباره علی نازل شده و جز علی، کسی ستایش نشده است. ای مردم! به خدا سوگند که سوره «والعصو» (۲۹) در شأن علی نازل شده است. ای مردم! این قرآن است که امامان پس از علی علیه السلام را از فرزندان و از نسل او به عنوان «باقیه» معرفی فرموده است: «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقَابِهِ» (۳۰) و خداوند گوهر امامت را در نسل او پایدار کرد. رسول خدا هنوز سعی دارد که پیامش را کامل کند و کمترین بهانه‌ای به دست مغرضین و سودجویان تاریخ ندهد. ای مردم! بدانید که علی علیه السلام را ولی و رهبر شما قرار دادم و نیز مأمورم که در مورد قبول امامت و ولایت امامانی که از نسل من و از صلب علی هستند از شما اقرار و بیعت بگیرم. حال که چنین است همگان یک صدا و

یک زبان بگویید: آنچه درباره رهبری علی علیه السلام و امامان پس از وی که از صلب اویند و از جانب حق تعالی به ما ابلاغ کردی، شنیدیم و در برابر آن گوش به فرمان و خشنودیم! ما با دل و جان و با زبان و دست، نسبت به ولایت، با تو بیعت می‌کنیم و پیمان می‌بندیم که با این اعتقاد زندگی کنیم و با آن بمیریم و هرگز در آن تغییر و تبدیلی ندهیم و شک و تردیدی ننماییم و از پیمان خود دست برنداریم و از خدا و پیامبرش و از امیرالمؤمنین علی علیه السلام و فرزنداش حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و امامان دیگر که از صلب اویند و به جهان می‌آیند، فرمان برداریم. در این هنگام جمعیت یک صدا فریاد برآورد که فرمان خدا را شنیدیم و با دل و زبان و دست، مطیع و فرمانبرداریم. فریاد بیعت جمعیت، غبار غفلت را پراکنده می‌کند. برکه غدیر زیر اقرار جمعیت جاودانه می‌شود. همه اعتراف می‌کنند. حتی منافقانی که ظلمت کفر، دلشان را سیاه کرده و نفاق را از راه زبان جاری می‌سازند و فریاد می‌زنند، غافل از این که حافظه تاریخ شدت فریادشان را فراموش نخواهد کرد. آن‌گاه پیامبر ادامه داد: خدایا! تو را به شهادت می‌گیرم که پیامت را به مردم ابلاغ کردم و تو تنها برای گواهی دادن بسنده‌ای. سپس رو به جمعیت کرد و فرمود: ای مردم! آگاه باشید! از شما می‌خواهم پس از پایان خطبه‌ام، نخست با من و سپس با علی علیه السلام دست بیعت دهید و میثاق خود را استوار کنید. بدانید که من به خداوند متعال تعهد سپرده‌ام و اکنون هم از سوی حق تعالی از شما درباره علی می‌خواهم که پیمان ببندید و بدانید که هر کس بیعت خود را بشکند، به زیان خود عمل کرده است. پیامبر این آیه را تلاوت فرمود: پس هر کس که عهد خویش را بشکند، به زیان خود عمل کرده است. (۳۱) پیامبر در ادامه فرمود: ای مردم! رستگاران کسانی هستند که در بیعت با علی علیه السلام و پذیرش ولایت او و در ادای سلام بر وی به عنوان «امیرالمؤمنین» مبادرت ورزند و سبقت جویند...؛ درود و رحمت خدا بر شما باد.

کمال دین و نعمت

سخنان پیامبر در این جا به پایان رسید. سخنان پیامبر خاطره شیرینی برای مردم به ارمغان آورده بود. آسمان در نهایت بارش فیض الهی بر مسلمانان است. هنوز اجتماعی باشکوهی که در صحرای غدیر خم به هم شکل گرفته بود به حال خود باقی بود و از هم متفرق نشده بود که جبرئیل فرود آمد و به پیامبر بشارت داد و این آیه را تلاوت فرمود: خداوند، امروز دین خود را کامل کرد و نعمت خویش را بر مؤمنان به اتمام رسانید. (۳۲) در این لحظه صدای تکبیر پیامبر بلند شد و خطاب به مردم فرمود: خدا را سپاس گزارم که دین خود را کامل کرد و نعمت خود را بر شما تمام کرد و از رسالت من و ولایت علی علیه السلام پس از من خشنود شد، امروز بزرگ‌ترین نعمت به حق پذیران داده شده است.

ثبت عینی واقعه

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و به دنبال او علی علیه السلام از منبر و جایگاه خود فرود آمدند و در کنار جمعیت قرار گرفتند. مردم به سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و علی بن ابی طالب علیه السلام هجوم آوردند تا با آن دو بیعت کنند. حضرت دستور داد تا در آن صحرا دو خیمه برپا کردند. در یکی از آنها خود و در دیگری علی علیه السلام نشست. پیامبر عمامه خود را که «سحاب» نام داشت به عنوان تاج افتخار بر سر امیرمؤمنان قرار داد و تا سه روز در آن محل اقامت کردند و مردم دسته، دسته به خیمه‌ها می‌آمدند و با پیامبر تجدید عهد می‌کردند و سپس به خیمه علی علیه السلام می‌رفتند و به عنوان امیرمؤمنان با وی بیعت کرده و تبریک می‌گفتند: شور و غوغایی برپا بود. هر کس دوست داشت زودتر از دیگری در بیعت کردن سبقت بگیرد. زن‌ها با گذاشتن دست خود در تشت آبی که پیشتر علی علیه السلام دست مبارکش را در آن زده بود، مراسم بیعت را با وی انجام می‌دادند. حسان بن ثابت شاعر معروف زمان پیامبر فرصت را غنیمت شمرد و با کسب اجازه از محضر رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم

اشعاری را سرود و سپس در حضور پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و علی علیه السلام و مردم قرائت نمود: - برخیز که من تو را برای جانشینی و راهنمایی خلق پس از خویش انتخاب کردم. - و من مولای هر کسی می‌باشم که علی مولای اوست. شما در حالی که از صمیم قلب او را دوست دارید از پیروان او باشید ... (۳۳) لبخند شادمانی یک لحظه از لبان رسول خدا ترک نمی‌شد. و در عمل به هر طریق ممکن، محبتش را به علی پیش چشم همگان برای اثبات ولایت او ابراز کرد تا کمترین بهانه‌ای به قلب‌های بهانه‌جو ندهد. نخستین کسی که موفق به بیعت و مصافحه شد «ابوبکر» بود و پس از او «عمر» و سپس «عثمان» بیعت کردند و به دنبال ایشان بقیه مهاجر و انصار و دیگر مردم اقدام به بیعت نمودند. (۳۴) در این هنگام جبرئیل نازل شد و گفت: به خدا قسم روزی مانند امروز ندیدم، چقدر کار علی علیه السلام را محکم نمودی! برای او پیمانی گرفتی که جز کافر به خدا و رسولش کسی آن را به هم نخواهد زد. وای بر کسی که این پیمان را بشکند. (۳۵) بار دیگر در لحظات پایانی غدیر خم معجزه‌ای اتفاق می‌افتد و واقعه غدیر را ماندنی تر می‌کند. شخصی به نام «حارث بن نعمان فهری» دوان دوان خود را به خیمه پیامبر رساند و به حضرت عرض کرد: ای محمد تو ما را امر کردی که شهادت به یکتایی خدا و رسالت تو بدهیم؛ ما از تو پذیرفتیم. تو ما را امر کردی که روزی پنج بار نماز بخوانیم؛ خواندیم. ماه رمضان روزه بگیریم؛ گرفتیم. خانه خدا را زیارت بکنیم؛ انجام دادیم. مال خود را با دادن خمس و زکات پاک کنیم؛ همه این‌ها را از تو قبول کردیم. به این اکتفا نکردی، تا آخر دست پسر عمویت را گرفتی او را بر همه ما برتری دادی و امیر ما کردی! آیا بگو بینم این از طرف خدا بود یا از جانب خودت!! رسول اکرم در حالی که صورتش سرخ شده بود و یارانش از اسائه ادب او در دل می‌خروشیدند، فرمود: سوگند به خدایی که جز او معبودی نیست، این امر از طرف خدا بوده است. در این هنگام «حارث» برخاست و با غضب از نزد پیامبر بیرون رفت؛ در حالی که با خود می‌گفت؛ خدایا اگر آنچه که محمد می‌گوید حق است، پس سنگی از آسمان بفرست و یا غذایی بر ما نازل کن! هنوز حارث به شتر خود نرسیده بود که سنگ کوچکی از آسمان فرود آمد و بر سرش اصابت کرد و فرو رفت و از پشتش خارج شد (۳۶) و در مقابل دیده دوست و دشمن به هلاکت رسید. بدین وسیله باز هم واقعه‌ای ماندنی بر کرانه غدیر ثبت گردید. در اینجا بود که جبرئیل نازل شد و این آیه را برای پیامبر تلاوت کرد: در خواست کننده‌ای درخواست غذایی کرد که واقع شد، این عذاب مخصوص کافران است و بازدارنده‌ای ندارد، از جانب خدای صاحب درجات است. (۳۷) کم کم هنگام وقت نماز مغرب فرا رسید. مؤذن اذان گفت. پیامبر همراه با جمعیت کاروان‌ها نماز مغرب و عشا را پیوسته و در یک زمان با هم به جا آوردند.

بعد از واقعه

در اهمیت این واقعه تاریخی، همین اندازه بس است که رویداد غدیر را یکصد و ده نفر از صحابی و هشتاد نفر از تابعین رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بیان کردند و سپس ۳۶۰ نفر از محدثین و مورخین شیعه و سنی نیز نقل کرده‌اند. روایات واقعه غدیر از نظر سند و راویان و شواهد بسیار روشن و واضح و دارای دلایلی متقن بوده و در کتب سنی و شیعه آمده است که ما در پایان، برخی از مدارک کتب اهل تسنن را به طور مشروح نقل می‌کنیم. خبر واقعه غدیر در شهرها منتشر شد و آن سه روز به عنوان «ایام الولایه» نام گرفت. امید این بود که این واقعه بزرگ با خطبه مهم و ارزشمند پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم که از طریق یکصد و بیست هزار شنونده و راوی مستقیم، همیشه بر سر زبان‌ها جاری و گفت و گو شود و در عمل تحقق پیدا کند، ولی با کمال تأسف پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و جو حاکم بر جامعه مسلمین و اعلام ممنوعیت نقل حدیث از طرف هیئت حاکمه، سخنان و رهنموده‌های سرنوشت‌ساز پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم از دسترس مردم و نسل‌های بعد برای چند صباحی خارج شد، ولی کثرت راوی و انتشار حدیث بالاخره سبب شد که پس از مدتی در اختیار مردم و علما قرار گیرد و کسی را یارای انکار آن واقعه نباشد.

روز عید غدیر خم

روز عید غدیر به نام روز «میثاق مأخوذ و جمع مشهود» نام گرفت. (۳۸) در این روز حضرت جبرئیل علیه السلام و بقیه ملائکه به امر خدای متعال جشن می‌گیرند و بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم درود می‌فرستند و برای پیروان امیرالمؤمنین علیه السلام استغفار می‌کنند. (۳۹) این روز حتی قبل از این واقعه در تاریخ، روز معروفی بوده است؛ زیرا در چنین روزی توبه حضرت آدم پذیرفته شده و «شیت» وصی او گردید، حضرت ابراهیم علیه السلام از آتش نمرود نجات یافت، حضرت موسی علیه السلام برادرش هارون را به عنوان وزیر و یوشع بن نون را به عنوان وصی خود انتخاب کرد و حضرت عیسی علیه السلام، شمعون الصفا را برای جانشینی خودش معرفی کرد. (۴۰) روز عید غدیر روز سرور و شادمانی و خوشحالی مؤمن است که مورد تأکید و سفارش ائمه معصومین علیهم السلام و رسول گرامی صلی الله علیه و آله وسلم می‌باشد. روز شکر و حمد الهی و روز عبادت و ذکر است و روزه آن معادل صد حج و صد عمره است. روز عید خدای بزرگ است. (۴۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: روز عید غدیر خم برترین عیدهای امت من است و آن روزی است که خداوند متعال مرا به نصب برادرم به عنوان امامت امت، فرمان داد که پس از او امت هدایت شوند، روزی است که دین کامل گردیده و نعمت بر همه تمام شده و روزی است که خدا دین اسلام را بر ایشان پسندیده است. (۴۲) و سید بن طاووس در اقبال نقل کرده است که در این روز چون مؤمنی را ملاقات کنی مستحب است تبریک گفته و بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» علی علیه السلام در بحث با ناکثین در شورا، فرمود: گمان ندارم که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در روز غدیر خم برای کسی، حجتی باقی گذاشته باشد و نه برای گوینده‌ای جای سخنی. (۴۳) محمود بن لبید از حضرت زهرا علیها السلام سؤال می‌کند: آیا رسول خدا پیش از وفاتش بر امامت علی علیه السلام تصریح فرمودند؟ حضرت زهرا علیها السلام پاسخ فرمودند: شگفتا! آیا روز غدیر خم را فراموش کرده‌اید؟ (۴۴) حضرت رضاعیه السلام در نقلی می‌فرماید: مثل مردم در پذیرفتن ولایت حضرت علی علیه السلام در روز غدیر خم، مثل ملائکه در سجودشان، در برابر حضرت آدم علیه السلام است و مثل کسانی که در روز عید غدیر از ولایت علی علیه السلام سرباز زدند، مثل شیطان است: (۴۵) پس همه سجده کردند به جز ابلیس، سرباز زد و از کافران شد. (۴۶)

فهرست منابع

* منابع و کتاب‌های دیگری که نیز مورد استفاده بوده عبارتند از: ۱ - فروغ ولایت و فروغ ابدیت، نوشته استاد جعفر سبحانی، علامه امینی. ۲ - غدیر کمی آن سوتر نوشته، سید مهدی شجاعی. ۳ - غدیر زلال وحی، خطبه رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در غدیر خم، مجمع فرهنگی عاشقان بقیع قم. ۴ - برکه بر فلک نازد، نوشته یحیی مقدسیان. ۵ - شرح و تفسیر خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، نوشته سید محمد تقی نقوی. ۶ - جرعه نوش غدیر، به کوشش مهدی لطفی. فهرست برخی از مدارک و کتاب‌های معتبر اهل تسنن پیرامون واقعه غدیر خم ۱. نسائی، احمد بن شعیب، فضائل الصحابة، طبع دار الکتب العلمیه بیروت، لبنان، ناشر طبع دارالکتب العلمیه. ۲. امام احمد بن حنبل، مسند احمد، بیروت، ناشر طبع دار صادر، ج ۱، ص ۱۱۸ و ص ۱۱۹ و ج ۴، ص ۲۸۱ و ص ۳۶۸، ج ۵، ص ۳۷۰. ۳. قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فواد عبدالباقی، ناشر دارالفکر بیروت، ج ۱، ص ۴۳. ۴. نیشابوری، محمد بن محمد الحاکم، مستدرک الحاکم، تحقیق دکتر یوسف المرعشی ناشر دارالمعرفه، بیروت ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۰۹ و ص ۳۷۱. ۵. میثمی، نور الدین، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، المطبعة دارالکتب العلمیه، طبع ۱۴۰۸ هـ - ۱۹۸۸ م، ناشر دارالکتب العلمیه بیروت لبنان، ج ۷، ص ۱۷، ج ۶، ص ۱۰۴ - ۱۰۸، ج ۹، ص ۱۶۴. ۶. ابی جعفر اسکافی، محمد بن عبدالله معتزلی، المعیار والموازنه، تحقیق شیخ محمد باقر محمودی، ص ۲۱۴ - ۲۱۲ و ص ۳۲۳ و ۳۲۲. ۷. ابن ابی شیبۀ الکوفی، المصنف، تحقیق

سعيد محمد اللحام، الطبعة الاولى، ۱۴۰۹ هـ، ناشر المطبعة دارالفكر، ج ۷، ص ۴۹۹ و ص ۵۰۳. ۸. ابن قتيبه، امام ابن محمد عبدالله بن مسلم، تأويل مختلف الحديث، تحقيق شيخ اسماعيل السعردى، المطبعة دارالكتب العلمية، بيروت، ناشر دارالكتب العلمية بيروت، لبنان، ص ۱۴. ۹. ضحاک، عمرو بن ابى عاصم، كتاب السننه، تحقيق محمّد ناصر الدين اللباني، المطبعة الكتب الاسلامى، بيروت لبنان، الطبعة الثالثة. ۱۴۱۳ هـ. ۱۹۹۳ م، ناشر المكتب الاسلامى، بيروت لبنان، ص ۵۵۲. ۱۰. نسائي، شافعى ابى عبدالرحمن، احمد بن شبيب، السنن الكبرى، تحقيق دكتور عبدالغفار سليمان البندارى و سيد كسروى حسن، المطبعة دارالكتب العلمية بيروت لبنان، الطبعة الاولى ۱۴۱۱ هـ. ۱۹۹۱ م، ناشر دارالكتب العلمية بيروت - لبنان ج ۵ ص ۴۵ و ص ۱۳۰ و ص ۱۳۴ و ص ۱۵۵. ۱۱. نسائي شافعى، ابى عبدالرحمن احمد بن شبيب، خصائص امير المؤمنين، تحقيق محمّد هادى الامينى، ناشر مكتبة نينوى الحديثه، ص ۹۵ - ۹۳ و ص ۱۰۰. ۱۲. تميمى، احمد بن على بن المثنى، مسند ابويعلى، تحقيق حسين سليم اسد المطبعة دارالمأمون للتراث ناشر دارالمأمون للتراث، ج ۱، ص ۴۲۹ و ج ۱۱، ص ۳۰۷. ۱۳. علاء الدين على بن بلبان الفارسى، صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، تحقيق شبيب الارنورط، المطبعة مؤسسه الرساله، الطبعة الثانيه ۱۴۱۴ هـ. ۱۹۹۳ م - ناشر مؤسسه الرساله، ج ۱۵، ص ۳۷۶. ۱۴. الطبرانى، سليمان بن احمد بن ايوب اللخمي، المعجم الصغير، المطبعة دارالكتب العلمية، بيروت، ناشر دارالكتب العلمية - ج ۶، ص ۶۵. ۱۵. الطبرانى، سليمان بن احمد بن ايوب اللخمي، المعجم الاوسط، تحقيق ابراهيم الحسينى، المطبعة دارالحرمين، ناشر دارالحرمين، ج ۲، ص ۲۴ و ص ۲۷۵ و ص ۳۶۹ و ج ۶، ص ۲۱۸. ۱۶. طبرانى، سليمان بن احمد بن ايوب اللخمي، المعجم الكبير، تحقيق حمدى عبدالمجيد السلفى، المطبعة داراحياء التراث العربى الطبعة الثالثه، ناشر، مكتبة ابن تيميه - القايره، ج ۲، ص ۳۵۷ - ج ۳، ص ۱۸۰ و ج ۴، ص ۱۷ و ص ۱۷۴ - ج ۵، ص ۱۶۶ و ص ۱۶۷ و ص ۱۷۰ و ص ۱۷۵ و ص ۱۹۲ و ص ۱۹۴. ۱۷. طبرانى، سليمان بن احمد بن ايوب، مسند الشاميين، تحقيق حمدى عبدالمجيد السلفى، المطبعة مؤسسه الرساله - بيروت الطبعة الثانيه ۱۴۱۷ هـ. ۱۹۹۶ م، ناشر مؤسسه الرساله - بيروت، ج ۳، ص ۲۲۳. ۱۸. ابن ابى الحديد، شرح نهج البلاغه، تحقيق محمّد ابوالفضل ابراهيم، المطبعة، منشورات مكتبة آيت... مرعشى النجفى، ناشر داراحياء الكتب العربيه، ج ۲، ص ۲۸۹ - ج ۴، ص ۶۸ - ج ۵، ص ۸، ص ۲۱. ۱۹. الزرندي الحنفى، جمال الدين محمّد بن يوسف بن الحسن بن محمّد، نظم در المسطين، المطبعة، من مخطوطات مكتبة الامام امير المؤمنين عليه السلام العامة. الطبعة الاولى، ۱۳۷۷ هـ. ۱۹۵۸ م، ص ۷۷. ۲۰. هيتمى، على بن ابى بكر، موارد الظمان إلى زوائد ابن حبان، تحقيق محمّد بن عبدالرزاق، ناشر دارالكتب العلمية - بيروت، ص ۵۴۴. ۲۱. المتقى الهندى، كترالعمال، تحقيق الشيخ بكرى حيانى، الشيخ صفوة السقا، المطبعة مؤسسه الرساله، بيروت - لبنان، ناشر مؤسسه الرساله، بيروت، لبنان، ج ۱، ص ۱۸۷، ج ۵، ص ۲۹۰ و ج ۱۱، ص ۶۱۰ - ج ۱۳، ص ۱۰۵. ۲۲. عبدالرووف المناورى، فيض القدير شرح الجامع الصغير، تحقيق احمد عبدالسلام، الطبعة الاولى، ۱۴۱۵ هـ. المطبعة دارالكتب العلمية، ناشر دارالكتب العلمية - بيروت، ج ۶، ص ۲۸۲. ۲۳. العجلونى الجراحى، كشف الخفا و مزيل الالباس، الطبعة الثانيه ۱۴۰۸ هـ، الناشر دارالكتب العلمية، ج ۲، ص ۲۷۵. ۲۴. ابوالفرج عبدالرحمن بن الجوزى الحنبلى، تحقيق حسن السقاف، الطبعة الثالثه ۱۴۱۳، المطبعة دارالامام النووى، عما، اردن ناشر دارالامام النووى، ص ۲۴۱. ۲۵. شيخ محمود ابوريه، اصفراء على السنه المحمديه، المطبعة دارالكتاب الاسلامى، ص ۲۱۶. ۲۶. حاكم حسانى، عبيدالله بن احمد، شواهد التنزيل فى آيات النازله فى اهل البيت، تحقيق شيخ محمّد باقر محمودى، الطبعة الاولى - ۱۴۱۱، ناشر مجمع احياء الثقافه السلاميه، التابعه لوزاره الثقافه و الارشاد الاسلامى، ج ۱، ص ۲۰۱، ج ۲، ص ۳۹۰ و ص ۳۹۳. ۲۷. قرطبي، ابى عبدالله محمّد بن احمد انصارى، الجامع الاحكام القرآن، المطبعة داراحياء التراث العربى، ناشر مؤسسه التاريخ العربى بيروت، ج ۱، ص ۲۶۶. ۲۸. جلال الدين سيوطى، الدر المنثور، المطبعة الاولى ۱۳۶۵ - المبعه، الفتح، جده، ناشر دارالمعرفه، ج ۲، ص ۲۹۳. ۲۹. عبدالله بن عدى الجرجانى، ابى احمد، الكامل فى ضعفاء الرجال، تحقيق دكتور سهيل زكار، قرأها و دققها، يحيى مختار غزاوى الطبعة الثالثه ۱۴۰۹، المطبعة دارالفكر، ناشر دارالفكر، بيروت، ج ۳، ص ۲۵۶ - ج ۵، ص ۳۳. ۳۰. خطيب بغدادى، ابى بكر احمد بن على، تاريخ بغداد، تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، الطبع

الاولی، ۱۴۱۷، المطبعة الدار الکتب العلمیه، ناشر محمد علی زنصره (دارالکتب العلمیه - بیروت) ج ۱۴، ص ۲۳۹. ۳۱. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، الطبع ۱۴۱۵ ه. المطبعة دارالفکر، ناشر دارالفکر، ج ۴۲، ص ۲۱۷ - ۲۰۵. ۳۲. ابن اثیر - اسد الغابه، ناشر انتشارات اسماعیلیان، تهران، ج ۱، ص ۳۰۸ و ص ۳۶۷ - ج ۴، ص ۲۸. ۳۳. ابن نجار بغدادی، ذیل تاریخ بغداد، دarse و تحقیق، مصطفی عبدالقادر عطا، الطبعة الاولی ۱۴۱۷ ه. المطبعة و النشر دارالکتب العلمیه - بیروت - ج ۳، ص ۱۰. ۳۴. المزی، ابوالحجاج یوسف، تهذیب الکتب، تحقیق دکتر بشار عواد معروف، الطبعة الاولی ۱۴۱۳، ناشر مؤسسه الرساله، ج ۲۰، ص ۴۸۲. ۳۵. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، تحقیق شعیب الارنقروط، ابراهیم الزیق، الطبعة التاسعه ۱۴۱۳، ناشر مؤسسه الرساله، بیروت، ج ۱۵، ص ۱۲۹. ۳۶. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، انساب الاشراف، تحقیق شیخ محمد باقر محمودی، الطبعة الاولی ۱۳۹۴، ناشر مؤسسه الاعلمی - بیروت، ص ۱۱۲ - ۱۰۸. ۳۷. یعقوبی، احمد بن یعقوب بن جعفر بن وهب ابن واضع، تاریخ یعقوبی، المطبعة دار صادر، بیروت، ناشر مؤسسه و نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام - قم ج ۲، ص ۱۱۲. ۳۸. ابن کثیر دمشقی الحافظ ابی الفداء اسماعیل، البدایه و النهایه، تحقیق علی شیری، الطبعة الاولی ۱۴۰۸ - المطبعة دار احیاء التراث العربی، ناشر دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۵، ص ۲۳۳ - ۲۲۸ - ج ۷، ص ۳۸۳.

پی نوشت ها

(۱) مقریزی، امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۵۱۰ به بعد و ابن اسعد: طبقات، ج ۲. ۲ (طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۶. ۳) سیف بن عمر نخعی به نقل از رجال نجاشی، ص ۱۴۳، سیره حلبی، ج ۳، ص ۲۸۹، ص ۱۸۴۴. ۴) بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۳۱۹. ۵) تقصیر: یعنی چیدن مو یا گرفتن ناخن. ۶) همان مدرک. ۷) طبقات کبری، ج ۲، ص ۱۷۴ و ارشاد الساری فی شرح صحیح البخاری، ج ۶، ص ۴۲۹. ۸) بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۴۰۵. ۹) طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۹. ۱۰) ابن سعد: الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۲۵؛ مقریزی: امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۵۱۱؛ قسطلانی؛ ارشاد الساری فی شرح صحیح البخاری، ج ۶، ص ۴۳۰؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۷ و ناسخ التواریخ. ۱۱) الاحتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۶۶ - ۷۴، چاپ نجف. ۱۲) همان مدرک. ۱۳) يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِي مَمْرًا مِنَ النَّاسِ (سوره مائده (۵) آیه ۶۷). سبب نزول این آیه در خطبه غدیر و در کتاب ناسخ التواریخ و کتاب الغدیر نوشته مرحوم علامه امینی به طور مفصل نقل شده است. ۱۴) تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱۶؛ تاریخ کامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۴۱. ۱۵) متن کامل خطبه و مشروح واقعه غدیر خم در کتاب مرحوم ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی (م ۵۸۸ ق) که در اینجا، ما قسمت زیادی از متن خطبه را گزینش کرده و آورده ایم. ۱۶) يَقُولُونَ بِاللَّسِيَّتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَيَحْسَبُونَ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا (سوره فتح، آیه ۱۱ و سوره نور، آیه ۱۵). ۱۷) يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِي مَمْرًا مِنَ النَّاسِ (سوره مائده (۵) آیه ۶۷). ۱۸) إِنَّمَا وَثَّابَكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (سوره مائده (۵) آیه ۵۵). ۱۹) فاتحه الكتاب، (۱) آیات ۱ - ۷. ۲۰) غافر (۴۰) آیه ۴۰. ۲۱) حدیث معروف به حدیث ثقلین است که این حدیث در پنج مکان از حضرتش صادر شده است که این صدور مکرر دلالت به اهمیت موضوع می کند و آن حدیث این است: إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ؛ كِتَابَ اللَّهِ، وَ عِتْرَتِي (وَ أَهْلِ بَيْتِي) مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ. ر ك، ترمذی، جامع الصحیحین، ج ۵، ص ۶۲۱. ۲۲) أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قَالُوا: بَلَىٰ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ أَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ... الاحتجاج طبرسی، ص ۶۹، ج ۱. ۲۳) همان مدرک. ۲۴) بنابه نقل از احمد بن حنبل در مسند او، پیامبر این جمله (من كنت مولا... را چهار بار تکرار کردند. (مسند، احمد بن حنبل، ناشر طبع دار صادر - بیروت، ج ۱، ص ۱۱۸ و ۱۱۹. ۲۵) همان مدرک. ۲۶) سی تن از محدثان بزرگ اهل تسنن برآند که آیه یا ایها الرسول... در غدیر خم نازل شده است و طی آن خدا به

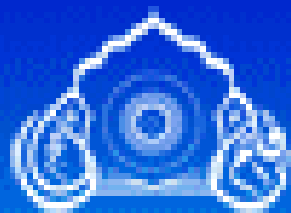
پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم مأموریت داده که علی علیه السلام را به عنوان «مولای مؤمنان» معرفی کند. افرادی مانند، ابونعیم اصفهانی، ابن عساکر، ابواسحاق حمدینی، جلال الدین سیوطی و .. به چشم می‌خورد و از میان صحابه پیامبر از ابن عباس و ابوسعید خدری و براد بن عازب نام برده شده است. همین آیه و خطبه غدیر در کتاب نفیس الغدیر مرحوم علامه امینی نام سی تن ذکر شده (ج ۱، ص ۱۹۶ تا ۲۰۹) به نقل از کتاب فروغ ولایت، استاد جعفر سبحانی. (۲۷) یا حَسْرَتَا عَلِيُّ مَا فَرَّطْتَ فِي جَنْبِ اللَّهِ (سوره زمر، آیه ۵۶). (۲۸) سوره هل اتی عَلِيَّ الْإِنْسَانَ (۷۶) آیه ۱. (۲۹) وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ... (سوره عصر (۱۰۳) آیات ۱ - ۳). (۳۰) زخرف (۴۳) آیه ۲۸. (۳۱) فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ. (۳۲) الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» سوره مائده (۵)، آیه ۳. (۳۳) فَقَالَ لَهُ قَوْمٌ يَا عَلِيُّ فَاِنِّي رَضِيْتُكَ مِنْ بَعْدِي اِمَامًا وَ هَادِيًا فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا وَ لِيْهِ فَكُونُوْا لَهُ اَتْبَاعَ صِدْقٍ مُّوَالِيًا چكامه حسان بن ثابت شاعر معروف رسول خدا ادامه دارد که ما فقط به دو بیت در اینجا بسنده کردیم. احتجاج، ص ۸۵. این اشعار در دهها کتاب از اهل سنت نقل کرده‌اند؛ مثل: ابوسعید خرگوشی در شرف المصطفی و ابوسعید سجستانی در کتاب الولایه و جلال الدین سیوطی در رساله شعر. (۳۴) به نقل معتبر، عمر اولین کسی بود که به حضرت علی علیه السلام رسید و گفت: «يَخِ بَخِ يَا عَلِيُّ، أَضِيْبَحْتَ مَوْلَايَ وَ مِرْوَلِي كَلِّ مِرْوَمِيْنَ وَ مِرْوَمِيَّةٍ»: به به! گوارایت باد ای علی! اکنون تو مولای من مولای هر مرد و زن مؤمنی شده‌ای! (۳۵) طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۷۱. (۳۶) سیره حلبی، ج ۳، ص ۳۰۲. رشید رضا: المنار، ج ۶، ص ۴۶۴. (۳۷) سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ، سوره معارج (۷۰)، آیه ۱ - ۳. (۳۸) عوالم، ج ۱۵، ص ۲۲۰ - ۲۰۹. (۳۹) همان مدرک. (۴۰) عوالم، ج ۱۵، ص ۲۲۰. (۴۱) کافی، ج ۴، ص ۱۴۹، خ ۳. (۴۲) قال رسول الله: يوم غدیر خُم أفضل أعياد أمتي وَ هُوَ الْيَوْمَ الَّذِي أَمَرَنِي اللَّهُ تَعَالَى ذَكَرَهُ بِنَصْبِ أَخِي عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِلْمًا لِأُمَّتِي يَهْتَدُونَ بِهِ مِنْ بَعْدِي وَ هُوَ الْيَوْمَ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ فِيهِ الدِّينَ، وَ أَتَمَّ عَلِيٌّ أُمَّتِي فِيهِ النِّعْمَةَ وَ رَضِيَ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا - تفسير فرات ابراهیم کوفی، ص ۱۱۷، ذیل آیه یا ایها الرسول. (۴۳) قال علی علیه السلام فی روایه - وَ لَا عَلِمْتُ أَنْ رَسُولَ اللَّهِ تَرَكَ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ لِأَحَدٍ حُجَّةً وَ لَا لِقَائِلٍ مَقَالًا... احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۷۵. (۴۴) هل نَصَّ رسول الله قبل وفاته على عليٍّ بالامه؟ قالت: واعجابه! أنستيم يوم غدیر خُم؟ - عوالم المعارف، ج ۱، ص ۲۲۸. (۴۵) کتاب عوالم، ج ۱۵، ص ۲۲۴. (۴۶) فَسَجِدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»، سوره بقره (۲) آیه ۳۴.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار - ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد

بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خود کار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۱۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری

مانند آزاد کردن بنده دارد».

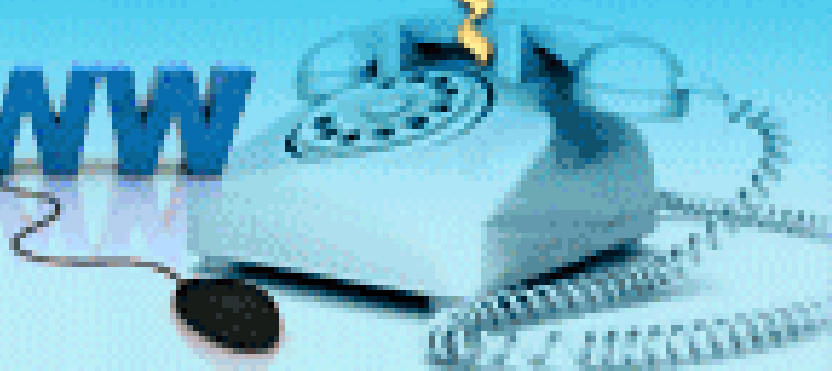


مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

